

## انتقاد الهام علی اف از احزاب مخالف

الهام علی اف رییس جمهور آذربایجان روز ۲۹ ژانویه به مناسبت بیستمین سالگرد اولین نشست جوانان آذربایجان، با گروهی از جوانان کشور دیدار نمود.



به گزارش آران نیوز به نقل از روزنامه خلق قازتی، الهام علیف در بخشی از سخنرانی خود ضمن اشاره به تاریخ استقلال جمهوری آذربایجان و مشکلات ناشی از اداره نادرست کشور توسط یک عده ناکارآمد گفت: «یکی از مشکلات ما در آن دوران بی تجربگی و بعضا خیانتکاری رهبران کشور بود. البته شما جوانان (به خاطر اقتضای سنی) آن دوران را به یاد نمی آورید. حاکمیت حزب جبهه خلق و مساوات برای مردم ما یک بلا و افتضاح بزرگی بود. اولاً آنها در سال ۱۹۹۲ حکومت را به صورت غیر قانونی در دست گرفتند. در آن دوران در قره باغ کوهستانی جنگ خونین وجود داشت. ولی اینها به فکر تصاحب قدرت بودند. تاریخ آن دوران بسیار تاسف آور و بسیار سنگین است. آنها پس از تصاحب قدرت در کشور، آذربایجان را در یک پرتگاه قرار دادند. اگر شما به شخصیت رهبران آذربایجان در آن دوران توجه نمایید، خواهید دید که این افراد نه اینکه یک کشور را و حتی قادر به اداره یک کلخوز (مزرعه اشتراکی در دوران اتحاد شوروی) نیز نبودند... ببینید که در آن دوران این کشور را چه کسانی اداره می کردند؟ رییس مجلس ملی (عیسی قنبر-مترجم) کسی بود که در طول ۱۱ سال نتوانست از یک پایان نامه علمی دفاع نماید. نخست وزیر کشور (پناه حسین مترجم) یک تاجر بود و آن هم با یک تجارت کوچک و خصوصی سر و کار داشت. دبیر دولت وقت آذربایجان (علی کریملی مترجم) یک «کومسومول» بود که بعدها تغییر عقیده داده و به جنبش مردمی پیوست. وی بعدها نیز بارها تغییر عقیده داده است. همکاران و دوستان وی او را بهتر می شناسند. کسی که در سخت ترین شرایط به رهبر خود خیانت نماید، نمی تواند دارای ویژگیهای برتر انسانی بوده باشد. وزیر دفاع آن روز (رحیم قاضی اف مترجم) در تحویل شهر شوشا به ارامنه به صورت مستقیم دست و تقصیر داشت. وزیر کشور آن روز (اسکندر حمیداف مترجم) در یک برنامه زنده تلویزیونی به خاطر ناخوشایند بودن سخنان یک شخص (آراز علیزاده مترجم) به محل استودیو هجوم برده و آن شخص را مورد ضرب شتم قرار داد و بعداً نیز به خاطر این کار مورد مجازات قرار نگرفت. وزیر امور خارجه آن روز کشور (توفیق قاسم اف مترجم) یک کارمند علمی کوچک در موسسه علمی فیزیک بود. اما با وجود این، به یک پست خیلی مهم منصوب شده بود. وی کسی بود که به هیچ زبان خارجی مسلط نبوده و حتی زبان روسی را نیز به صورت درست و حسابی بلد نبود... حاکمیت حزب جبهه خلق و مساوات این است. این افراد چگونه می توانستند کشور را اداره نمایند؟ آنها پس از کسب قدرت در کشور فوراً وارد مبارزه برای حذف یکدیگر شدند. در نتیجه آن اعتماد مردم به آنها سلب شد و تعدادی از آنها نیز از کشور فرار نمودند. حیدر علی اف در سال ۱۹۹۳ در سختترین شرایط کشور به میهن برگشته و با حمایت و اعتماد مردمی وضعیت کشور را به سوی ثبات پیش برد...».